

قاتل عمار



گروهی ستمگرند

يك صفحه عجيب از تحريف حقيقت و بازی با الفاظ در تاريخ

تلاش می نمودند .

خست های زیادی که بردوش او گذاشته بودند
 بر او سنگینی می کرد سدازد : ای پیامبر خدا مرا
 کشتند . . .

پیامبر فرمود : اینها قاتل تو نیستند قاتل تو
 گروهی سرکش و ستمگر خواهند بود (۱) رسول
 اکرم (س) درباره او سخنان دیگری هم دارد :
 در آیه ای وجود عمار را ایمان فرا گرفته ، و ایمان
 با گوست و خون او بهم آمیخته شده است ، عماره چو

مسلمانان با شوق روز اوردی دست در کار
 ساختمان مسجد بودند رسول اکرم (س) به آنها
 نظارت بر امر ساختمان را بسپرده داشت بلکه خود
 شخصاً بسان یکی از مسلمانان کار می کرد و دلیل میبرد
 و کلنگ .

همین امر شور و هیجان فوق العاده ای در افراد
 ایجاد کرده بود ، آنان که می دیدند شخص پیامبر
 تنها فرامانده نیست ، بلکه خود نیز در کاری که فرمان
 داده عمل می کرد ، می کند ، نشاط و شوقشان چندین
 برابر می شد و تا حد توانی در انجام این هدف مقدس

(۱) سیره ابن هشام .

حق بوده حق و حقیقت پیامبر وجود او در وی زید
و جایگاه قاتل وی در خانه (۲)

و از این نمونهها در راه او فراتر نرفته پس خود
او در غروات متعددی چون بدر و احد شرکت
داشت (۳) و در راه پیشبرد اسلام جهاد می کرد .

خالد در باره اش چه گفت ؟

میان او و خالد بن ولید گفتگویی شد خالد
سخنانی تند و درشت نسبت به وی در زبان راند . عمار
شکایت خالد را پیش رسول اکرم (ص) برد در حضور
پیامبر نیز خالد نسبت به او درشتی کرده و تند سخن
گفت رسول الله خاموش بود گوئی میداد : عمار
بگره افتاده عرض کرد ای رسول خدا من پیش او را
رسول اکرم سر بلند کرد و فرمود : « **من عادی**
عماراً عاداه الله و من ابغض عثماناً ابغضه الله »
دشمن عمار دشمن خداست . خالد گفت از حضور
پیامبر سرخس شدم در حالی که هیچ چیز پیش من از
خوشنودی و رسالت خاطر عمار عزیز تر نبود (۴)

در معرفی کث صفین

در آن روز در حدود نود و چهار سال از عمرش می-
گذشت ولی با روحی جوان و بیرون در راه حقی
شمیر می زد خیلی خوشحال و سرور بود که تحولات
و دگرگونی های بنیادارگ رسول اکرم (ص)
توانسته بود او را چون عدهای دیگر از مدعیان و
فضیلت علی بن ابیطالب (ع) جدا ساختن بوی مخالف
بکشاند .

(۲) دان عمار علی بن ابیطالب من قره العالی قومه و اخطاط الایمان بلجمه و دعه . بدو در عمار مع الحق ایضا دارو

قاتل ضاروق المارء الدیر ج ۹

۳ و ۴ - اسد الغابه ج ۴

اوبه شخص امیر المؤمنین (ع) و راه او که طریق
حق بود گاه لا ایمان داشت و همین روح امانت بود
که بر سر پیش از نود ساله را چون جوانی می روند
به جنبش بر آورده بود .

درگیر و در آن نبرد خونین در حقیقت جنگ
میان عدل و ظلم و حق و باطل بود هر طرف که روی
می آورد عمار رسول اکرم (ص) بدیدار او روان
بودند و او را چون پرچم افراشته در میان میگره گشته
گویند یا سخن رسول اکرم (ص) در باره او که عمار با
حق است و حق با عمار ، در گوئی آنان ظنن انصار
بود .

آری در آن معرفی ، مردانه کوشید ، رشادت ها
نشان داد ، نایبیکه عمار بطوریکه پیامبر (ص) خبر
داده او را یاد آمد .
عمار گفته شد بدست کی ؟ بدست گروه سرگشتی
و ستمگر .

آیا دیگر شك و تردیدی و دگر معایبه و بیگانه گشتن
سرگشتی و ستمگر اند مگر این دو معان عمار است که
گفته رسول در باره اش در گوئی سعادت و قاتل تو
گروه ستمگر خواهد بود و مگر قاتل عمار غیر از
معاویه و هم دشمنان و یاران او کی دیگری بود ؟
همین مطلب کافی بوده که این سرور سادات را در
معاویه بلند شود که : عمار گفته شد : قاتل عمار بطریق
گواهی صریح پیامبر ستمگر است .

بنابر این معاویه و هم دشمنان او که ما با شما همه

بنابر این معاویه و هم دشمنان او که ما با شما همه

ستمگر و سرگشتی و منحرف از جاده حق خواهیم
بود .

عجب اینک این سرور سادات را شرح نقشه شیطان
معاویه و عمرو عاص خاموش و فروکش کرد . آنها
گفتند قاتل عمار کسی جز علی بن ابیطالب نیست
زیرا اگر او عمار را به این میدان نیاورده بود به دست
ما کشته نمی شد ! (و این یکی از بزرگترین تحریفهای
تاریخ بود) .

قاتل عمار در حضور حجاج

در اینکه متعددی و مشارقتل عمار کی بود میان
تاریخ نویسان اختلاف است .

بعضی میگویند قاتل عمار ابو غادیه جیحی
که از سر بایزان از تن معاویه در زمین بود میماند .
و بعد از آن ابو غادیه به قاتل عمار شهرت و معروفیت
یافت ، در سایرین جنایات در دستگاه معاویه احترام
خاصی پیدا کرد و هر جا که قدمی گذاشت قدس
خیز مقيم بود . هر وقت که بر معاویه وارد می شد
خود را بعنوان قاتل عمار معرفی می کرد و در حضور
او آب و نان ، جبران قتل عمار را توضیح می داد
بدون اینکه از این جنایات احساسی شرمی کند .

و این قدر حجاج بود و معلوم است که حجاج
با باقر ادری چون خود که دشمنان به خون مردان
حق و فضیلت آغشته بود ، ناجیه با به علاقه و محبت
بود ؟ و بی شك ابو غادیه و امثال وی در این دستگاه
قرب و منزلتی بر داشتند .

آری ابو غادیه قاتل عمار است . عمار هم از شیعیان
و دشمنان خالصی علی بن ابیطالب (ع) می باشد ، از
همان دوستانی که مأیوسیت حجاج در قلع و قمع

آنان خلاصه می شود پس چرا ابو غادیه در پیشگاه
حجاج معروض و محبوب نباشد ؟

آن روز قاتل عمار به انگاه همین احترام و محبوبیت
بدین حجاج آمده بود همینکه چشم حجاج با او افتاد
سازد : هر حجابایی غادیه ، ! خوش آمدی
ابو غادیه .

پس او را نزدیک خود نشاند ، حجاج از او
خواست ما چرا قتل عمار را شرح دهی همینکه ایوب
عادیه جریان قتل عمار را شرح کرد حجاج رو
بمردم شام که در حضورش بودند کرده گفت : هر که
بخواهد با تکریمش بپردی که در روز قیامت دارای
مقامی عظیم است خود را سرور و شادمان سازد : به
این مرد (ابو غادیه) بگرد .

یعنی قتل عمار نه تنها مقام ابو غادیه را در این دنیا
و در حکومت معاویه و عبدالملک و اشراف آنها بالا می-
برد بلکه در روز قیامت و در پیشگاه پروردگار دادگر
نیز ابو غادیه در سایه قتل مردانی چون عمار صاحب
منزلتی عظیم خواهد بود !

و این مطلبی است که حجاج امیر مقتدر وقت با
قاطعیت اعلام میدارد و معلوم است که هر چه حجاج
و فرمانده وی عبدالملک خلیفه وقت بگویند صحیح و
درست است ! زیرا حکومت و قدرت در دست آنها بود
و بقول معروف و الحق لمن غلب ، ولو اینکه روز
روشن دشت بر اعلام کنند .

با مشاهده چنین احترام و تکریم از ما حجاج حجاج
ابو غادیه حق داشت که بخود جرات دهد و با سرحات
درخواست سطلنی از حجاج کند مگر نه این است که
حجاج او را مردی بررگوار و عظیم الشان میدانند و
بقیه در صفحه ۷۹

معمولا بکن نیست وادامین ایزاد که برای سید و تقدیر اختیار آنها قرار داده شده برای دفاع از خود در برابر دشمن استفاده می کنند .

هر چه انسان اندیشمند به پدیده های پرازاسرار و شگفتی جهان آفرینش بیشتر دقیق میشود نشانه های حکمت ، دانش و علم و کثرت و کثرت فوق العاده در آنها می بیند و در برابر قدرت و علم آفریدگار جهان زانو می زند و باقر آن کریم حمدا می گوید که : « لا اله الا الله اعطانی کل شیء خلقه ثم هدی » (۲) پروردگارا ما دوستی که هر چیزی را آفرینش بخشید

(۲) قرآن کریم سوره طه آیه ۵۰
(۳) سوره یوسف آیه ۱۰

و هدایت و رهبری کرد .
آری در بین جانوران و پدیده های شگفت جهان آفرینش ، ابتکار و موهبه های جانب در شکار یا دفاع و تیرد ، وجود دارد که هر يك به تنهایی نشان قدرت و پیشرفت و تدبیر حکیمانهای آفریدگار است .

ولی - گوید پادشاهان بین تانینگر دخت دارا !
قرآن کریم نیز به این حقیقت اشاره می کند که :
و چند نژاده و علامت وجود دارد که انسانهای غافل از آنها می گذرند و آنها را نادیده می گیرند . (۳)

بقیه ازس ۷۵

مگر نه این است که حجاج بر مقتدر و نیرومند مصر است و از عهد تا همین خواسته های امثال ابوسفدیسه خوب بر می آید دیگر چرا حاجت خود را از این امیر مقتدر درخواست نکند ؟ این بود که با امید کامل خواسته خود را مطرح کرد و حاجت خویش را بیان داشت ولی برخلاف انتظار او از حجاج جواب منفی شنید و کوچکترین اعتنائی به خواسته او نداد !

بیچاره خیرت زده مردی است چه کند ، ناخود چنین زمین می گریه می گفت که حجاج مرا از بکطرف مردانها نشان میدهد و از طرفی از نامین یک حاجت ساده سرچشمی زده و بی اعتنائی میکند و دیگر طاقت نیاورد و بطوریکه دیگران هم شنیدند صدازد ، ما را

بین حکومت دنیا برای اینان فراهم کرد پس از آنها درخواست عطائی میکنند اعتنائی نکنند و این حال مرا هم مرد عظیم الشان آهیم در مقام و در پیشگاه خداوند بحساب می آورند .

اگر مرد عظیم الشان و بزرگواری باشد
او عمار است که بدست من کشته شد ، بخدا سوگند اگر تمام مردم روی زمین در خون عمار شرکت داشته باشند همگی مستوجب کبفر الهی و آتش دوزخ خواهند بود
این است مرد بزرگوار و عظیم الشان نه -

آری بدیخت قاتل عمار !